

## بیانیه‌ی «اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران»

هفده سال پیش، انقلاب بیست و دوم بهمن، که رسیدن به استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی را هدف داشت، در تداوم تاریخی پیکارهای رهایی‌بخش ایرانیان، خیزش مشروطیت، و جنبش ملی کردن صنعت نفت به پیروزی رسید؛ ولی خیلی زود برکرسی قدرت‌نشینان با سرکوب بی‌امان دگراندیشان و نادیده گرفتن آزادی‌های شناخته‌شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و حتی قانون اساسی کنونی و با اعمال روش‌های استبدادی و برقراری خفقان و ترس و وحشت و کاربرد سیاست ستیزآمیز تبعیض‌های قومی و مذهبی و جنسی و استفاده‌ی بی‌پروا از ابزارهای خشونت و کشتار مردم ایران را در برابر سرنوشتی تاریک و میهن ما را در گرداب هرج و مرج و ویرانی قرار دادند.

اکنون، وضع نابسامان کشور نیاز به یک حرکت همگام و گسترده‌ی ملی را به‌خوبی نمایان کرده است. هر سالی که از زندگی جمهوری اسلامی سپری شده، نه تنها سرمایه‌ها و دستاوردهای بزرگ نابود گردیده، که بر شتاب سیر قهقرایی همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی ایران افزوده، آن سان که دیگر امروز تکاپو برای رهایی کشور از بن‌بست‌های هولناک پدیدآمده به گونه‌ی گزینشی میان مرگ و زندگی در برابر آرمان‌خواهان قرار گرفته است.

دیری است دیگر از ایران آباد و آزاد، که امید می‌رفت پس از دگرگونی در ساختار نظام حکومتی پدید آید، جز ویرانه‌ای تاگربیان‌گرفتار بدهی‌های سرسام‌آور، بر جای نمانده و، از مردمی که مهر و داد ویژگی همیشگی تاریخشان بود، جز خیل امیدباختگان در چنبر تلخ تباهی‌های اجتماعی باقی نیست. اگر بیش از این و به گونه‌ی فزاینده مایه‌های حیاتی کشور ما به تحلیل برده شود و بر انبوه نابسامانی‌های ایران بیفزاید، شاید دیگر امیدی برای نسل امروز و فردا در هم‌آوردی با نابهنجاری‌های فاجعه‌بار این برهه از تاریخ نماند.

کشور ما فرصت‌های گران‌بهایی را در زمینه‌ی تحول و پیشرفت از دست داده و درنگ بیش از این شایسته‌ی ملتی با پیشینه‌ی فرهنگی پربرابر نمی‌باشد. باید ایرانیانی که با اعتقاد به حیثیت ذاتی بشر حرمت خویش را می‌شناسند و به حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و حاکمیت ملی به نحو تجزیه‌ناپذیری باور دارند، به دور از تنگ‌نظری، در یک شتاب همگام و حرکت همسوی فراگیر، با واقع‌بینی، به نیازهای حیاتی جامعه‌ی دردمند و پریش و ازهم‌گسیخته‌ی ایران پاسخ دهند.

بی‌تردید، پیکار مشترک وظیفه‌ی همه‌ی سلطه‌ستیزان و خواستاران ترقی و بهروزی است. از این رو، شماری از سازمان‌های سیاسی، که احیای همبستگی همگانی را ضرورتی تاریخی می‌دانند، «اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران» را پدید می‌آورند تا با همه‌ی توان در راستای استقرار حاکمیت ملی از راه دست یافتن به آزادی و برپایی نظام مردم‌سالاری بکوشند. هدف حزب‌های سازنده‌ی این اتحاد، که افزون بر نیم قرن گذشته را پیوسته در پیکار با استعمار، استبداد، و استثمار گذرانیده و پیرو راستین مصدق بزرگ می‌باشند، استقرار آزادی و حاکمیت ملی از راه برقراری نظام مردم‌سالاری می‌باشد.

از آنجا که اکنون در فضای اختناق‌آمیز کشور انحصارگران برکرسی قدرت‌نشته باز هم درصد برگزاری انتخابات نمایشی می‌باشند؛ اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران در همین بیانیه‌ی اعلام موجودیت خود، به لحاظ ضرورت و تنگی زمان، از همه‌ی زنان و مردان، از همه‌ی گروه‌های اجتماعی، کارگران، پیشه‌وران، بازرگانان، کارمندان،

فرهنگیان، وکیلان دادگستری، قاضیان، دانشگاهیان، دانشجویان، دانش‌آموزان، و روشنفکران کشور می‌خواهد از شرکت در انتخاباتی که از هیچ یک از آزادی‌های لازم و تصریح‌شده در قانون اساسی، آزادی گفتار، نوشتار، گردهمایی، مصاحبه‌ی مطبوعاتی، برخوردار نیست خودداری کنند و پیشاپیش دست همیاری هم‌میهنان گرامی را برای مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز و علنی در راستای نجات ایران و برقراری نظام مردم‌سالاری می‌فشارد.

جنبش برای آزادی ایران، حزب زحمتکش‌ان ملت ایران (نیروی سوم)، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران

## از شرکت در انتخابات نمایشی خودداری کنید

هممیهنان،

در جهان ملتها، هر کجا که نظام پارلمانی برپاست و نمایندگان با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شوند، هیچ رویداد اجتماعی اهمیت انتخابات را ندارد. انتخابات فرصتی برای برخورد اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و انتقاد آزاد است تا درماندگی‌ها و شکست‌های زمامداران بازشناسی و نارسایی‌های نظام حکومتی و قانون‌های گوناگون آن روشن گردد. انتخابات آزاد کاربرد شیوهی سیاسی درازمدتی است که می‌کوشد کردارهای قهرآمیز رژیم را با گسترش روش‌های مسالمت‌آمیز خنثی کند و راه را برای همزیستی همه‌ی گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی در چهارچوب نظامی مردمسالار فراهم آورد.

شعار انتخابات آزاد زمانی واقعیت می‌یابد که پیکارهای رهایی‌بخش مردم بتواند رژیم را زیر فشار قرار دهد و آن را به تسلیم در برابر خواست‌های برحق همگانی وادارد. بدون تردید، گذار آرام از دیکتاتوری به آزادی، چه از دیدگاه استقلال و تمامیت ارضی کشور و چه از نظر پیوند سازمان‌های سیاسی با پایگاه مردمی خویش، بر تغییرهای ناگهانی برتری دارد؛ ولی هنگامی که فضای سیاسی کشور باز نیست، ایمنی قضائی از زندگی ملی رخت بر بسته، گسترهی سرکوب دگراندیشان افزایش یافته، رشد و پیشرفت جامعه در حصار تنگنظری و واپس‌گرایی فروافتاده، فقر امان مردم را بریده و سیاست خارجی به بن‌بست کشیده شده است، چگونه می‌توان از کسانی که هیچ امیدی به بهگرد کارها ندارند خواست به حساس بودن موقعیت میهن و خطرهایی که آن را تهدید می‌کند بیندیشند و به گذار آرام دل بندند؟

در این میان، سران جمهوری اسلامی با پیش گرفتن کردارهای ضد مردمی هر روز بیشتر از سود و صلاح ملی دورمی‌افتند و، برای استمرار حاکمیت خویش، فضای کشور را اختناق‌آمیزتر می‌کنند. نگاهی به کردارهای یک سال گذشته‌ی نظام، که به جای بهره‌گیری از فرصت در پیش بودن انتخابات برای پایان دادن به تجاوزهای آشکار به حیثیت ذاتی انسان و حقوق ملت و دست‌کم عقب‌نشینی به حصار قانون اساسی خودساخته و پرهیز از وحشت‌افزایی در راستای امیدوار ساختن مردم به برگزاری یک گزینش ملی، به کاربرد ترفندهای زشت و جوسازی‌های پرهزینه روی آورد، نشان می‌دهد زمامداران کنونی ایران آمادگی برداشتن هیچ گامی را برای بهبود وضع اجتماعی و پایان دادن به یکه‌تازی ندارند.

آنان با تبلیغات رنگارنگ درک و شعور مردمی را که از کوره‌ی تفتنی انقلاب سربلند به‌درشده و روزگار هولناکی در هفده سال گذشته داشته‌اند نادیده انگاشتند و گمان کردند با صحنه‌سازی‌های گوناگون و داغ کردن مصنوعی تنور انتخابات می‌توانند آن‌ها را از ناباوری و بی‌اعتنایی نسبت به کردارهای خویش بیرون کشند و خیمه‌شبابازی دیگری بر پا دارند.

سازمان‌های سیاسی مخالف‌بایکه‌تازی به‌هنگام پیش‌شرط‌های ضروری برای برگزاری یک انتخابات آزاد را برشمردند و هشدار لازم را به برکرسی قدرت‌نشستگان دادند که، اگر آن‌ها کمترین توجهی به خواست‌های مردمی داشتند، با چرخشی درست می‌توانستند کشور را از بحران به‌دراوردند و زمینه‌های تجلی اراده‌ی ملی را فراهم

دارند؛ ولی آنچه در متن زندگی مردم و در صحنه‌ی عمل کشور جریان داشت توقیف و تعطیل نشریه‌ها، کتاب‌سوزی، حمله و بمب‌گذاری و به آتش کشیدن نهادهای فرهنگی، هجوم و برهم‌زدن سخنرانی‌ها، یورش به آیین‌های سوگواری، راه انداختن گروه‌های فشار، طرح کردن لایحه‌ی مجازات اسلامی، جلوگیری از برگزاری مصاحبه‌ی مطبوعاتی، برپایی دادرسی‌های بیدادگرانه و کیفرهای خلاف حقوق بشر و میثاق‌های مربوط به آن، کشتار مردم فقرزده‌ی بی‌دفاع و حتی دنباله یافتن اعدام‌ها بود. در عین حال، برای رونق دادن به بازار خاموش انتخابات نمایشی خود، به جنگ زرگری روی آوردند و جناح‌های گوناگونی را به میدان کشانیدند و حتی خوش‌باورانی را هم برای شرکت در این بازیگری فریب دادند.

از این رو، با اعتقاد به اینکه استقرار حاکمیت ملی و برقراری نظام مردم‌سالاری مستلزم پذیرش همزیستی گرایش‌های گوناگون سیاسی و شرکت آنان در تعیین سرنوشت میهن است و سعادت مردم ایران و رشد و توسعه‌ی جامعه نفی هر گونه استبداد را طلب می‌کند، اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران دیگر سازمان‌های سیاسی ناوابسته و نهادهای صنفی گروه‌های اجتماعی گوناگون را به همیاری دعوت می‌کند تا بتوان راه دراز رسیدن به هدف‌های بنیادین انقلاب، استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی، را هموار کرد. اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران بار دیگر مهر بطلان بر انتخابات نمایشی پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی می‌زند و باز هم از همه‌ی زنان و مردان ایرانی می‌خواهد از هر گونه شرکت در آن خودداری کنند و به یکه‌تازی جمهوری اسلامی «نه» بگویند.

جنبش برای آزادی ایران، حزب زحمتکش‌ان ملت ایران (نیروی سوم)، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران